

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾:

يجب الالتفات إلى أن ما في سورة الفاتحة بعد البسملة ليس بشيء جديد، إنما هو تفصيل للبسملة.

باید توجه داشت که آنچه در سوره فاتحه بعد از بسمله آمده است چیز جدیدی نیست ، بلکه فقط تفصیلی برای بسمله می باشد؛

كما أن ما في القرآن غير سورة الفاتحة ليس بشيء جديد، بل هو تفصيل للفاتحة.

همان طور که آنچه در قرآن غیر از سوره فاتحه آمده است، چیزی جدید محسوب نمی شود، بلکه تفصیلی برای سوره فاتحه می باشد.

ومن هنا فإن القرآن كله في الفاتحة، بل في البسملة ([#]).

[#]- قال أمير المؤمنين (عليه السلام): (إن علوم الكون كلها في القرآن، وعلوم القرآن كلها في السبع المثاني، وعلوم السبع المثاني في البسملة ، وعلوم البسملة في النقطة ، وأنا تلك النقطة) الأربعون حديثاً للشيخ إبراهيم الخوئي : ص ۲۳۱.

از همین رو، تمام قرآن در سوره فاتحه ، بلکه در بسمله آن می باشد ([#]).

[#]- أمير المؤمنين (عليه السلام) می فرماید: (تمام علوم هستی در قرآن، و تمام علوم قرآن در سبع مثانی، و علوم سبع مثانی در بسمله، و علوم بسمله در نقطه است و من آن نقطه می باشم). چهل حدیث شیخ ابراهیم خوئی: ص ۲۳۱.

ففي البسمله ثناء على واهب الكمال، واستعانة بمربي العباد،
واستغاثة بالرحمن الرحيم من العبد، وهو يبدأ طريق العودة
والإنابة إلى الحي القيوم، طالباً منه سبحانه هدايته إلى الطريق
المستقيم الموصل إليه سبحانه.

پس در بسمله، ثنائی (حمد و ستایشی) برای بخشنده کمال، و استعانت و
یاری طلبیدنی از پرورنده بندگان، و استغاثه‌ای به رحمان رحیم از
طرف بنده می‌باشد، بنده‌ای که مسیر بازگشت و توبه به سوی حیّ قیوم را
آغاز می‌کند؛ در حالی که از او سبحان و متعال هدایتش را به صراط
مستقیمی که به او منتهی می‌شود، خواستار است.

قال تعالى: ﴿لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ [الحجر: ٨٧]

•([٨٧])

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿و همانا آوردیم تو را هفت تا از
مثنایی (بندها) و قرآنی عظیم﴾ [الحجر: ٨٧] .

وقال تعالى: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ
اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ﴾

•([٢٣: الزمر])

و همچنین می‌فرماید: ﴿خداوند بهترین سخن را نازل کرده است.
کتابی متشابه و مثنایی، که از تلاوت آن کسانی که از
پروردگارشان می‌ترسند، از خوف، تن بلرزد؛ سپس تن و جانیشان

به یاد خدا بیارآمد. این راه خدا است که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می‌کند و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ راهنمایی نخواهد بود ﴿[الزمر: ۲۳]﴾.

أَمَّا الْفَاتِحَةُ فَهِيَ تَبْدَأُ بِـ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، أَي: الثَّنَاءِ عَلَى الْكَامِلِ الْمَطْلُوقِ، الْمَرْبِيِّ لِلخَلْقِ فِي عَالَمِ الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْعَقْلِ. وَوَصَفِ (رَبِّ الْعَالَمِينَ)، أَي: مَرْبِيِ الْخَلْقِ وَمَكْمَلِهِمْ يَنْاسِبُ مَقَامَ الْعَبْدِ؛ لِبَيَانِ نَقْصِهِ وَحَاجَتِهِ لِلْكَامِلِ، وَمِنْ جِهَةِ شُكْرِهِ وَاعْتِرَافِهِ بِمَا مَضَى مِنْ نِعْمٍ وَكَمَالَاتٍ أَفِيضَتْ عَلَيْهِ، وَهِيَ قِطْعًا لَا تَحْصَى، فَبِهَا ظَهَرَ لِلْوُجُودِ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكَورًا، وَبِهَا تَغْذَى وَنَمَا وَتَكَامَلُ بَدَنُهُ، وَرَبِّمَا نَفْسُهُ وَرُوحُهُ إِذَا كَانَ مِمَّنْ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْ اللَّهِ الْحُسْنَى، وَبِهَا اهْتَدَى إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَجَنِبَ السَّقُوطَ فِي هَاوِيَةِ الْجَحِيمِ، فَكَانَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ عَلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ بِإِضَافَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَدْ ضَمَّنَ اعْتِرَافًا وَشُكْرًا وَاسْتِجْدَاءً مِنَ الْعَبْدِ النَاقِصِ. وَهُوَ فِي مَسِيرَتِهِ التَّكَامِلِيَّةِ لِلرَّبِّ الْكَامِلِ الْمَكْمَلِ لِلْعَالَمِينَ.

سوره فاتحه با ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ شروع می‌شود؛ یعنی: ثنا و ستایشی برای کامل مطلق، پرورش‌دهنده خلق در عالم ملک و ملکوت و عقل. توصیف «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، یعنی: مربی و پرورش‌دهنده خلق و کامل‌کننده‌شان، متناسب با مقام و جایگاه بنده؛ از جهت بیان نقصانش و نیازش به کمال، و از جهت شکرگزاری‌اش و اعترافش به نعمتها و کمالات گذشته‌ای که بر او افاضه شده است؛ که بطور قطع و یقین به شماره درنیاید؛ با نعمتهایی که با آنها پا به عرصه وجود گذاشت آن هم پس از اینکه چیز قابل ذکری نبود، و با آنچه با آنها تغذیه نمود و رشد کرد و بدنش به تکامل رسید؛ و چه بسا اگر از کسانی باشد که نیکی و حسنی از جانب خداوند به سویی سبقت جسته باشد، نفس و روحش نیز به تکامل رسیده باشد؛ با نعمتهایی که به صراط مستقیم، هدایت شد، و از سقوط کردن در آتش سوزان، دوری گزید، گویی

حمد و ستایش خداوند سبحان به همراه رب العالمین، تضمین‌کننده اعتراف و شکر و التماس و گدایی از سوی بنده ناقص می‌باشد؛ در حالی که او در مسیر تکاملی‌اش به سوی ربّ کاملِ کامل‌کننده عالمیان، می‌باشد.

**فالحمد والثناء هو مفتاح كنوز الكمال، وبه فتحت السورة المباركة
أم الكتاب.**

پس حمد و ستایش کلید گنج‌های کمال است، و با آن سوره مبارک ام‌الکتاب
گشایش یافت .

* * *

